



دستاوردهای داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران در يك نگاه

بدون تردید وقوع انقلاب اسلامی، تحولی عظیم و زلزله بزرگ سیاسی قرن بیستم به شمار می‌رود که دارای ابعاد مختلف برای تحلیل و بررسی می‌باشد. در این نوشتار قصد داریم تا به برخی از دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی بپردازیم.

بدون تردید وقوع انقلاب اسلامی، تحولی عظیم و زلزله بزرگ سیاسی قرن بیستم به شمار می‌رود که دارای ابعاد مختلف برای تحلیل و بررسی می‌باشد. در این نوشتار قصد داریم تا به برخی از دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی بپردازیم.

در حقیقت، دستاوردهای انقلاب اسلامی، همان آرمان‌ها و اهدافی هستند که به صورت کلی یا جزئی محقق شده‌اند.

در ارزیابی دستاوردهای انقلاب اسلامی باید به آرمان‌های انقلاب اسلامی، اوضاع پیش از انقلاب، امکانات و توانایی‌های کشور و فشارها و توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب توجه کرد. این دستاوردها را که هر يك به تنهایی برای موفق دانستن انقلاب قابل استناد است، می‌توان در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار داد.

دستاوردهای سیاسی انقلاب در سطح داخلی

براندازی حکومت شاهنشاهی؛ حدود 2500 سال حاکمیت نظام شاهنشاهی در ایران، معیارهایی را بر کشور حاکم ساخته بود که در آن، سعادت، عزت و سربلندی ملت جایی نداشت.

در فرهنگ مردم، نظام شاهنشاهی با زر و زور و تزویر، فساد، حق‌کشی و بی‌عدالتی و در يك کلام، ضدارزش‌ها مترادف بود.

از يك سو، رژیم پهلوی به پندار حاکمیت 2500 ساله نظام شاهنشاهی بر ایران، حیات و دوام خود را سنت محتوم تاریخی می‌دانست و از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری‌های آمریکا و غرب در ایران، رژیم شاه را چنان مقتدر و مسلح ساخته بود که هرگونه تصور تزلزل یا سقوط آن را ناممکن می‌کرد. با این حال، انقلاب اسلامی در عینی‌ترین دستاورد خود، این نظام را در هم کوبید و نهال طیبه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را در این کشور نشاند بنابراین می‌توان گفت سرنگونی و براندازی حکومت شاهنشاهی و رفع ستم از ملت ایران و استقرار حاکمیت الهی از جمله عینی‌ترین دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در بعد داخلی به شمار می‌رود. شاه می‌کوشید با تکیه بر پول نفت، ارتش 700 هزار نفری، دستگاه‌های امنیتی همانند ساواک و بهره‌مندی از حمایت بی‌دریغ بیگانگان بخصوص آمریکا، رژیم را مقتدر نشان دهد و تصور تزلزل و سقوط آن را از اذهان بزداید. در عین حال، اراده الهی بر آن قرار گرفت که مردم کوچه و بازار بدون آن که به سلاح‌های مدرن مسلح باشند، به سلطه چندین سده‌ای رژیم شاهنشاهی بر ایران اسلامی پایان دهند.

افزایش آگاهی، بینش و مشارکت سیاسی مردم؛ رشد سیاسی و آگاهی‌های عمومی مردم و حضور آنها در صحنه‌های مختلف و حرکت به سوی قانونگرایی و جامعه مدنی دینی از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب در سطح داخلی به شمار می‌رفت. دور نگه داشتن مردم از مسائل و واقعیت‌های جامعه، از سیاست‌های رژیم‌های نامشروع است تا به این وسیله حیات خود را تداوم ببخشند. رژیم پهلوی نیز با پیگیری این هدف می‌کوشید تا بینش اجتماعی و سیاسی مردم عمیق نگردد و جامعه همچنان در بی‌خبری به سر ببرد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، افزایش آگاهی‌ها و تقویت بینش سیاسی مردم به عنوان اصلی مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سرفصل برنامه‌ریزی‌های کشور قرار گرفت.

به این ترتیب، مردم به منزله صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمت نظام، با دیدگاه‌ها و آرمان‌های خویش به یاری حکومت اسلامی شتافتند. در بحث از مشارکت سیاسی در رژیم ستمشاهی، مردم، محلی از اعراب نداشتند و نمی‌توانستند در سرنوشت خود دخالت کنند. رژیم سلطنتی با کودتا روی کار آمده بود و قوه مقننه شکل فرمایشی داشت و اثری از مشارکت سیاسی مردم به چشم نمی‌خورد. انقلاب اسلامی با تغییر این وضع، مردم را نسبت به سرنوشت‌شان حساس کرد و آنها را به مشارکت سیاسی فراخواند.

استقرار نظام جمهوری اسلامی؛ پیروزی انقلاب اسلامی، خواسته عمومی در زمینه تشکیل جمهوری اسلامی را محقق کرد. لفظ جمهوری به قالب حکومت و لفظ اسلامی به محتوای آن اشاره دارد. از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) از آنجا که حکومت جمهوری ناظر به نظام معرفتی خاصی نیست، با نظام اسلامی و نظریه ولایت فقیه قابل جمع به نظر می‌رسد. دو مورد از مهم‌ترین تغییرات کلی در اصول و جهتگیری‌های این نظام عبارت است از: شکل‌گیری نظام مبتنی بر ولایت فقیه و نقش تعیین‌کننده مردم در سرنوشت خویش

از طریق استقرار آزادی‌های سیاسی و انتخابات عمومی در جامعه.

استقلال سیاسی و دگرگونی اصول سیاست خارجی؛ از دیگر دستاوردهای سیاسی داخلی انقلاب اسلامی می‌توان به استقلال سیاسی و کوتاه شدن دست ابرقدرت‌ها و سایرین از مقدرات کشور اشاره کرد. به گواهی تاریخ، حداقل در دوران معاصر، استقلال سیاسی ایران همواره زیر نفوذ قدرت‌های استعماری بوده است. پس از جنگ جهانی دوم و صف‌بندی بلوک غرب و شرق، آمریکا به صورت قدرت خارجی بی‌رقیب در عرصه سیاست و اقتصاد ایران درآمد؛ به گونه‌ای که سفیر آمریکا در ایران به نزدیک‌ترین مشاور شاه و دربار بدل گردید. آرمان استقلال‌طلبی مردم در زمان انقلاب در شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی تبلور یافت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کلام امام خمینی(ره) و متن قانون اساسی نمودار شد: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دول غیرمحابر استوار است.

پیوند دین و سیاست؛ تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمان و سیاستمداران همگام با نظام‌های غربی، تز جدایی دین از سیاست را تبلیغ می‌کردند تا مردم را از دخالت در سرنوشت خود باز دارند. این گونه بود که حکام مستبد و حامیان خارجی آنها با آسودگی خاطر به غارت و چپاول منابع و ثروت‌های مردم این مرز و بوم پرداختند. انقلاب اسلامی ایران با کشیدن خط بطلان بر تز جدایی دین از سیاست، براساس تعالیم اسلامی، دخالت در سرنوشت خود و امور سیاسی را ضروری شمرد و دیانت و سیاست را بر پایه این جمله معروف شهید مدرس که سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست، لازم و ملزوم یکدیگر دانست. به گونه‌ای که پس از انقلاب اسلامی ایران، صدها کتاب در مورد نقش مذهب در صحنه سیاسی و اجتماعی به بازارهای جهان آمد و بسیاری از دانشگاهیان به تحقیق درباره مذهب پرداختند.

از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در سطح داخلی می‌توان به شکل‌گیری تشکلهای سیاسی مختلف و شفاف شدن مواضع و دستاوردهایی از این قبیل اشاره کرد.

دستاوردهای سیاسی انقلاب در سطح خارجی و بین‌المللی

شکست ابهت غرب و شرق و تاثیر بر راهبرد قدرت‌های بزرگ؛ ابهت آمریکا و سایر قدرت‌های خارجی سلطه‌گر در جریان پیروزی مردم بی‌سلاح ایران در انقلاب، مقاومت در مقابل توطئه‌های بیگانگان و همچنین در جریان جنگ تحمیلی شکست. این تحول شگرف درخصوص انقلاب ایران، معلول تحول فرهنگی، تسلیم‌ناپذیری و روحیه شهادت‌طلبی مردم قلمداد می‌شود.

در واقع انقلاب اسلامی در کشوری رخ داد که ژاندارم آمریکا در منطقه خاورمیانه بود و به عنوان یکی از ستون‌های دکترین دو پایه‌ای نیکسون شناخته می‌شد. این انقلاب در کشوری روی داد که باید در مقابل حرکت‌های ضدغربی در منطقه واکنش نشان می‌داد، اما خود به کشوری ضدغربی بدل شد. از سویی ایران پس از انقلاب از پیمان سنتو که در راستای اهداف غرب بسته شده بود، خارج شد؛ بنابراین با وقوع چنین تحولی در ایران و خلأ قدرت در منطقه، راهبردهای منطقه‌ای ابرقدرت‌های جهان نیز تغییر یافت.

صدور پیام انقلاب و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و تاثیر بر شکل‌گیری برخی گروه‌های سیاسی؛ انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین محرك جنبش‌های سیاسی اسلامی بوده است. در این میان کشورهایی مانند لبنان، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس، افغانستان، پاکستان، تونس، فلسطین و شمال آفریقا به شکل مستقیم، و سوریه، نیکاراگوئه و آفریقای جنوبی به شکل غیرمستقیم از انقلاب ایران متاثر بوده‌اند.

همچنین برخی گروه‌های اسلامی - سیاسی نیز موجودیت خود را مرهون انقلاب اسلامی می‌دانند که از جمله مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به حزب الله لبنان اشاره کرد که بیش از هر گروه اسلامی - سیاسی دیگر، تحت‌تاثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد.

از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی می‌توان به تجدید حیات سیاسی اسلام در عالم و کسب عزت برای ملل مستضعف و جهان سوم و نیز مبتنی کردن سیاست خارجی و ارتباط با دیگر دولت‌ها براساس اصول اسلامی و سیاست نه شرقی، نه غربی و همچنین ترسیم چهره صلح‌طلبانه‌ای از اسلام با اثبات مظلومیت ملت ایران در جریان جنگ تحمیلی اشاره کرد که در این نوشتار کوتاه مجال پرداختن مفصل به همه آنها نیست.

سید جواد میرخلیلی - جام جم